

تحلیلی بر نقش پروژه ترسیب کربن در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: حسین‌آباد غیناب- شهرستان سریشه)

محمود فال سلیمان^۱: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

حجت‌ا... صادقی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

معصومه موحدی‌پور: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

دستیابی به توسعه پایدار در تمام جوامع انسانی بدون مشارکت زنان امکان‌پذیر نیست. در کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه اتخاذ شده است. یکی از راهبردهادر امر توسعه، راهبرد توانمندسازی زنان می‌باشد. در کشور ایران نیز گام‌هایی در این زمینه برداشته شده است. پروژه‌ی ترسیب کربن، در حسین‌آباد غیناب شهرستان سریشه از جمله برنامه‌های توسعه است که با اتخاذ استراتژی مشارکت مردم محلی و بکارگیری توأم زن و مرد، سعی در توانمندسازی زنان داشته است. هدف مقاله حاضر بررسی نقش این پروژه بر توانمندسازی زنان روستایی می‌باشد. روش تحقیق از نوع مطالعات بنیادی- کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها جزء تحقیقات توصیفی- تحلیلی و میدانی می‌باشد، که ضمن جمع‌آوری اطلاعات توصیفی، نتایج حاصل نیز از طریق آزمون‌های t تک نمونه‌ای، توکی و تحلیل واریانس مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج نشان داد که پروژه در افزایش توانمندی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موفق بوده است. به گونه‌ای که نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای با اطمینان ۹۵ درصد و در سطح خطای ۰/۰۵ و مقدار p برابر با ۰/۰۰۱، مؤثر بودن پروژه ترسیب کربن در افزایش توانمندسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی را تأیید کرده است. بر این اساس سطح آگاهی زنان، درآمد، افزایش و تنوع فعالیت‌های شغلی، استقلال مالی، مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها و تغییر نگرش زنان، با فعالیت پروژه، مطلوبتر و سیر صعودی داشته است.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، زنان روستایی، پروژه ترسیب کربن، برنامه ریزی روستایی، حسین‌آباد غیناب.

^۱ نویسنده مسئول: mm_fall@yahoo.com، ۰۹۱۵۳۶۱۹۱۴۰

بیان مسأله:

توسعه در جهت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، اساسی‌ترین مقوله مورد بحث جهان امروز است، که در نتیجه رشد روز افزون دانش‌های بشری در حال دگرگونی است. مفهوم واژه توسعه همانند سایر واژه‌های علمی از یک روند تکاملی و پویا برخوردار بوده است. توسعه پایدار که امروزه موضوع اصلی بحث محافل توسعه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است، خود برآیند انگاره‌های مختلف است. اتکای اساسی رهیافت توسعه پایدار، جامعه مدنی است که برای نیل به توسعه به اصالت دادن به روابط بوم-شناسانه و روح همیاری اجتماعی و یکپارچگی نیازهای مادی و معنوی تأکید دارد (صراف، ۱۳۷۷: ۱۴۸).

توسعه پایدار به عنوان یکی از بسترهای تعالی و رشد انسان، آن‌گاه می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد، که با یاری و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی و برای همه‌ی آنان صورت پذیرد. در واقع شکل‌گیری مشارکت با عنصر اعتماد و مسئولیت‌پذیری مزایایی را برای گروه‌های اجتماعی به ارمغان می‌آورد. اول هزینه‌های اجتماعی را پایین می‌آورد. دوم مسئولیت اجتماعی یک فعالیت ضروری برای پایگاه اجتماعی به شمار آید (Ahlerup, 2008: 270). در زمینه مشارکت، امروز زنان باید جایگاه ویژه‌ای را در راستای توسعه منطقه‌ای داشته باشند. چرا که اگر نقش و جایگاه انسانی را به عنوان اساس و محور توسعه پذیرفته باشیم، منطقاً باید نقش و جایگاه زن را نیز بعنوان نیمی از جمعیت انسانی جوامع در توسعه پذیرا باشیم (Reed, 2006: 406). برای سازماندهی مناسب زنان و توانمندسازی آنان در فرایند توسعه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، اقدامات اصولی مورد نیاز است، که طلیعه آن در دنیا قابل مشاهده است (الوانی و همکاران، ۱۳۸۰: ۶۴). توانمندسازی زنان یکی از اهداف توسعه از دیدگاه انسانی و عدالت محورانه است، در واقع به معنای افزایش شناخت و خودآگاهی، قابلیت اعتماد و گسترش آزادی انتخاب زنان توسط خودشان است (شادی طلب، ۱۳۸۴: ۵۴). در واقع، توانمندسازی اصطلاحی است برای توصیف هموار کردن راه خود یا دیگران برای تلاش در جهت دستیابی به اهداف شخصی (ابوت و همکاران، ۱۳۷۶: ۳۱۱). بر این اساس زنان روستایی جمعیت قابل ملاحظه‌ای از جوامع مختلف را تشکیل می‌دهند. در تمامی جوامع، زنان روستایی به عنوان یک عامل مهم در نیل به اهداف توسعه روستایی و منطقه‌ای مطرح بوده و در واقع نیمی از نیروی انسانی مورد نیاز توسعه روستایی می‌باشند. زنان به ویژه در روستاها از امکانات کمتری از لحاظ میزان سرمایه، اعتبار و قدرت برخوردارند. میزان نقش‌آفرینی زنان روستایی، بیش از مردان، تحت تأثیر شرایط و عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی قرار دارد. زنان روستایی، چه به صورت مستقیم (تولید محصولات زراعی، دامی، صنایع دستی و روستایی) و چه از لحاظ کمک به بخش کشاورزی (به عنوان نیروی کار) پتانسیل قابل توجهی در جامعه محسوب می‌شوند. جلب مشارکت زنان روستایی در توسعه نیازمند راهکارهایی مناسب است تا سبب تحرک‌پذیری، توانمندسازی و تقویت روحیه‌ی خودباوری در آن‌ها شود (بوذرجمهری و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۹).

یکی از پروژه‌هایی که با استفاده از روش‌های مشارکتی در حال حاضر در ایران در حال اجراست، پروژه بین‌المللی ترسیب کربن است. یکی از اهداف این پروژه توانمند کردن مردم محلی و از جمله زنان روستایی در راستای برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای است. استراتژی پروژه ترسیب کربن، احیای مراتع تخریب‌یافته برای مردم و با مردم (یعنی از نهال‌کاری صرف به بهره‌گیری مردم از منافع نهال‌کاری)، اتخاذ رویکردی یکپارچه و همه‌جانبه‌نگر و استفاده از همکاری توأم زنان، مردان و جوانان، در مدیریت مراتع (از طریق تعقیب اهداف توسط همه مردم و استفاده از نظرات ایشان) می‌باشد. علاوه بر این پروژه ترسیب کربن در مواردی دیگری مانند ایجاد گروه‌های توسعه روستایی، صندوق‌های اعتباری خرد، و... نیز به موضوع مشارکت منطقه‌ای تأکید نموده است. اجزای این پروژه را می‌توان به چهار بخش محرومیت‌زدایی، مشارکت و کارگروهی، مشارکت و توانمندسازی جوامع محلی و احیای مراتع و ارائه مدل‌سازی ترسیب کربن تقسیم نمود (هادریادی، ۱۳۸۷: ۹).

این پروژه بر استقرار تشکیلات اجتماعی و رسمی در منطقه به منظور تهیه چهارچوبی توانمند برای مشارکت مردم تأکید دارد. واگذاری مسئولیت برنامه‌ریزی در سطح منطقه به سطوح پایه جوامع محلی موجب توانمندسازی جوامع هدف شده و در خصوص امرار معاش خود، پاسخگو باشند، که خود باعث مدیریت بهتر منابع و بهره‌وری پایدار خواهد شد. لذا صرف برنامه‌ریزی و اجرای آن، به معنی تحقق اهداف برنامه نیست، حتی اگر با نظارت کامل توأم باشد، چرا که فرایند اجرای برنامه‌ها و اثربخشی

آنها بسیار پیچیده است و نیروها و عوامل متعدد و گاه غیرقابل کنترلی در کار هستند که مانع رسیدن به اهداف می‌شوند (نوری، ۱۳۸۰: ۹۶).

با توجه به تأکید پروژه بر توانمندسازی گروه‌های مختلف جامعه و بویژه زنان و با عنایت به اهمیت مسئله توانمندسازی زنان در توسعه روستایی، نقش طرح‌ها و پروژه‌هایی که بدین منظور انجام می‌شود، بسیار مهم و اساسی می‌باشد. لذا بررسی و کاوشگری آنها در راستای اهداف توسعه منطقه‌ای و روستایی و انتقال تجربیات حاصل از آن به مناطق دیگر کشور یک ضرورت است. برای انجام کارکردهای این طرح منطقه‌ای، بخش مشارکتی آن بعنوان یک نقطه عطف، از نگاه مشارکت زنان مورد توجه قرار گرفته است. لذا در این تحقیق با هدف بررسی اثرات پروژه ترسیب کربن، به عنوان یک طرح منطقه‌ای، بر توانمندسازی زنان روستاهای منطقه مورد مطالعه و نتیجه‌گیری از عملکرد این پروژه در زمینه مشارکت منطقه‌ای می‌باشد. بر این اساس فرض تحقیق را اینگونه می‌توان مطرح کرد که:

- پروژه ترسیب کربن باعث افزایش توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی زنان روستایی شده است.

پیشینه تحقیق:

مانگ در ۱۹۸۵ میلادی در مطالعه‌ای که برپایه‌ی سرشماری داده‌های نیروی کار ۱۹۷۳-۱۹۸۳ در میانمار انجام داده، بر این باور است که با بالا رفتن سطح سواد، سست شدن هنجارهای سنتی و تشویق زنان، میزان مشارکت آنان افزایش می‌یابد (Maung, 1995:458).

تولایی (۱۳۷۹)، در بررسی خود «موانع مشارکت اجتماعی زنان را در سه سطح فردی، خانوادگی و جامعه» مورد بررسی قرار داده و می‌نویسد که موانع فردی عبارتند از سطح سواد زن و نگرش به زن؛ موانع خانوادگی عبارتند از تربیت سنتی، شمار فرزند در خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده و سطح درآمد؛ موانع جامعه عبارتند از: کارکردهای حمایتی، آموزش از راه وسایل ارتباط جمعی، تبعیض موجود در جامعه، ایفای نقش جامعه در نهادینه کردن اوقات فراغت کودکان، نوجوانان و جوانان، چگونگی وضع قوانین. شادی طلب و کمالی (۱۳۸۱)، در مطالعه‌ی خود به «بررسی مشارکت اجتماعی زنان» پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان دهنده‌ی آن بوده است که: تنگناهای ساختاری و خانوادگی از بارزترین موانع مشارکت اجتماعی زنان بوده است. زهرا فرخی راستابی و همکاران (۱۳۸۲)، در مقاله خود با عنوان «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه» به بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان پرداخته‌اند که یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که: عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی عوامل مؤثری در توانمندسازی زنان هستند. در بررسی دیگری طباطبایی یحیی‌آبادی و حسینیان (۱۳۸۴)، در مقاله خود با عنوان «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی در شهر تهران» بیان می‌کنند که: برنامه مشاوره گروهی بر عزت‌نفس زنان سرپرست خانوار تأثیر دارد.

در مطالعه‌ای که خواجه‌نوری و دیگران (۱۳۸۴)، بر روی «مشارکت اقتصادی زنان روستایی» انجام داده‌اند، نتیجه گرفته‌اند که: رابطه‌ی معکوسی بین سطح تحصیلات و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی روستایی در بین زنان وجود دارد. علی شکوری (۱۳۸۷)، در مقاله خود تحت عنوان «سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان روستایی»، توفیق سیاست‌های اجتماعی بویژه در بعد حمایتی و فقرزدایی زنان، را به عنوان یکی از نشانگرهای اداره مطلوب امور بخشی، عمومی برای رفع محرومیت و تبعیض در جامعه محسوب می‌کند.

طوبی رضایی‌گیوشاد در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی نقش اعتبارات خرد بر توانمندسازی (مطالعه موردی: صندوق‌های اعتباری خرد پروژه ترسیب کربن، حسین‌آباد غیناب در خراسان جنوبی) در سال ۱۳۸۷، با بهره‌گیری از روش کیفی به بررسی اثرات برنامه اعتبارات خرد پروژه ترسیب کربن پرداخته است. وی توانمندسازی را با مؤلفه‌های افزایش مشارکتهای مردم محلی، پیگیری مطالبات مردم از نهادهای پاسخگو، افزایش دارایی و وضعیت امرار معاش خانوار و تحرک و اعتماد به نفس زنان مورد پرسش قرار داده است. نتیجه نشانگر آن است که زنان روستای منطقه حسین‌آباد با تشکیل صندوق خرد اعتباری و دستیابی به خدمات مالی (ایجاد پس‌انداز، دریافت وام) و غیر مالی صندوق (آموزش، مشارکت، تصمیم‌گیری،

مسئولیت‌پذیری و مدیریت) نوعی فرآیند توانمندسازی را طی کرده و به عنوان افرادی آگاه، در جهت پیشرفت و رهایی از محرومیت، در حال فعالیت می‌باشند.

مریم حسن‌نژاد نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «ارزیابی عملکرد فعالیت‌های مختلف صورت گرفته در راستای پروژه ترسیب کربن به تفکیک جنسیت و نوع گروه توسعه» در سال ۱۳۸۷، به ارزیابی اثرات این طرح به تفکیک جنسیت پرداخته است. در این مطالعه با بهره‌گیری از روش پیمایشی و با بهره‌گیری از ابزارهای تحقیقی مانند پرسشنامه و مصاحبه با مسئولین و کارشناسان پروژه ترسیب کربن در میان جامعه آماری مشتمل بر کلیه روستاییان دشت حسین‌آباد غیناب صورت گرفته است، که نتایج نشان داد، ارائه وام‌های فوق توانسته گامی در راستای بهبود توانایی‌های اقتصادی و نیز توانمندسازی برخی از گروه‌های هدف جامعه بردارد.

مبانی نظری:

در دهه ۱۹۷۰ م. مسائل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرآیند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه ملی و بین‌المللی شد. اما از سال ۱۹۸۱، انتشار مقالات و کتاب‌های مربوط به زنان در امور توسعه به سرعت افزایش یافت. با وجود این فعالیت‌ها، کوشش‌های موجود در برنامه‌های توسعه هنوز هم نتوانسته توان موجود و بالقوه زنان را در فرآیند توسعه تشخیص دهد و اثر این برنامه‌ها را بر زنان مشخص سازد (تورس و همکاران، ۱۳۷۵: ۳۶). دیدگاه‌های گوناگونی در ارتباط با زنان و توسعه وجود دارد، از قبیل دیدگاه رفاه، نگرش زنان در توسعه دیدگاه جنسیت و توسعه، زنان و توسعه، دیدگاه مبتنی بر کارایی، نگرش مبتنی بر توانمندسازی، جنسیت و محیط و هدف از نگرش زنان در توسعه، درگیر کردن زنان در توسعه اقتصادی از طریق اجرای طرح‌های درآمدزا برای زنان است. نگرش مبتنی بر توانمندسازی در دهه ۱۹۸۰ برای بهبود مهارت و فعالیت‌های مشارکتی افراد ضعیف مورد توجه قرار گرفت. توانمندسازی وسیله‌ای برای تقویت کارایی و بهره‌وری بدون دگرگونی در وضعیت موجود تلقی می‌شود (Vandana, 1989: 43).

نظریه توانمندسازی:

در این نظریه بر حقوق برابر زنان در مقابل مردان تأکید شده است. بر اساس این نظریه، هر فردی باید موقعیت آن را داشته باشد که از تمام توانایی‌ها و خلاقیت‌هایش استفاده کند. از دیدگاه این نظریه، اهمیت افزایش قدرت زنان در جامعه به معنای برتری فردی بر فرد دیگر نیست بلکه به معنای افزایش توان زنان در جهت ارتقای خوداتکایی و قدرت درونی است. این نظریه به دنبال تواناسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در مراحل تصمیم‌گیری خانواده و جامعه است (بوذرجمهری، ۱۳۸۳: ۷۱). نظریه توانمندسازی به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است و سعی می‌کند قدرت را کمتر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر (با توجه به اینکه افزایش قدرت زن موجب کاهش قدرت مرد خواهد شد) و بیشتر از لحاظ توان زنان در جهت افزایش اتکاء به خود و قدرت درونی شناسایی کند (حافظیان، ۱۳۸۸: ۲۰). این نظریه در پی توانمندسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در داخل خانواده و در جامعه است. (سفیری، ۱۳۷۷: ۷۳). از دیدگاه توسعه انسانی نیز "برابری به معنای دسترسی برابر به فرصت‌ها" یکی از اصول چهارگانه آن همراه با سه اصل پایداری، بهره‌وری و توانمندسازی نیز همین موضوع را بیان می‌کند. زنان در دستیابی به شاخص‌های توسعه محروم‌تر از مردان هستند، اما نقش کلیدی را در مدیریت توسعه اجتماعی و اقتصادی در روستاها به عهده دارند (Rose, 1993: 34) از این رو لازم است در مسائل توسعه روستایی به نقش و جایگاه این گروه توجه خاصی مبذول گردد. ایران از لحاظ شاخص توسعه جنسیتی ۰/۷۱۹ و رتبه ۷۸ در جهان را داراست (UNDP, 2007: 321). «شار» در سال ۱۹۸۹ و «توماس اسلیتر» در سال ۱۹۹۹ از توانمندسازی، تعریف زیر را ارائه کرده‌اند: «توانمندسازی به مثابه فرآیند چند وجهی، جذب منابع سرمایه‌ای برای دستیابی به نیروی جمعی (سینرژی یا هم‌افزایی) و جبران قدرت و بهبود مهارت‌ها (اعم از فنی، اجرایی، مدیریتی و...) و ظرفیت‌های برنامه‌ریزی و تحلیل بازتاب توانایی‌های مردم محلی قلمداد می‌گردد. (شرکت مهندسی مشاور وزنا، ۱۳۸۷: ۲۳۴). توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود می‌شود (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲: ۷). به طور کلی نظریه توانمندسازی بر دو پیش فرض به شرح ذیل استوار است:

۱- ارتقا توان افراد برای اتکا به خود که موجب افزایش قدرت آن‌ها خواهد شد. ۲- قدرت، نشانه برتری فردی بر فرد دیگر نیست بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر و برابری کمک کند (شرکت مهندسی مشاور وزنا، ۱۳۸۷، ۲۴۱).

روش تحقیق:

مطالعه حاضر از انواع مطالعات بنیادی- کاربردی است و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها جزء تحقیقات توصیفی- تحلیلی می‌باشد، که به شیوه پیمایشی صورت پذیرفته است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده و پرسشگری، طبقه‌بندی و با استفاده از تکنیک‌های آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند. برای تعیین پایایی (قابلیت اعتماد) پرسشنامه، تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل شده و ضریب آلفای کرونباخ برای سوالات مربوط به مؤلفه‌های تحقیق جدول شماره ۱ محاسبه گردید.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه

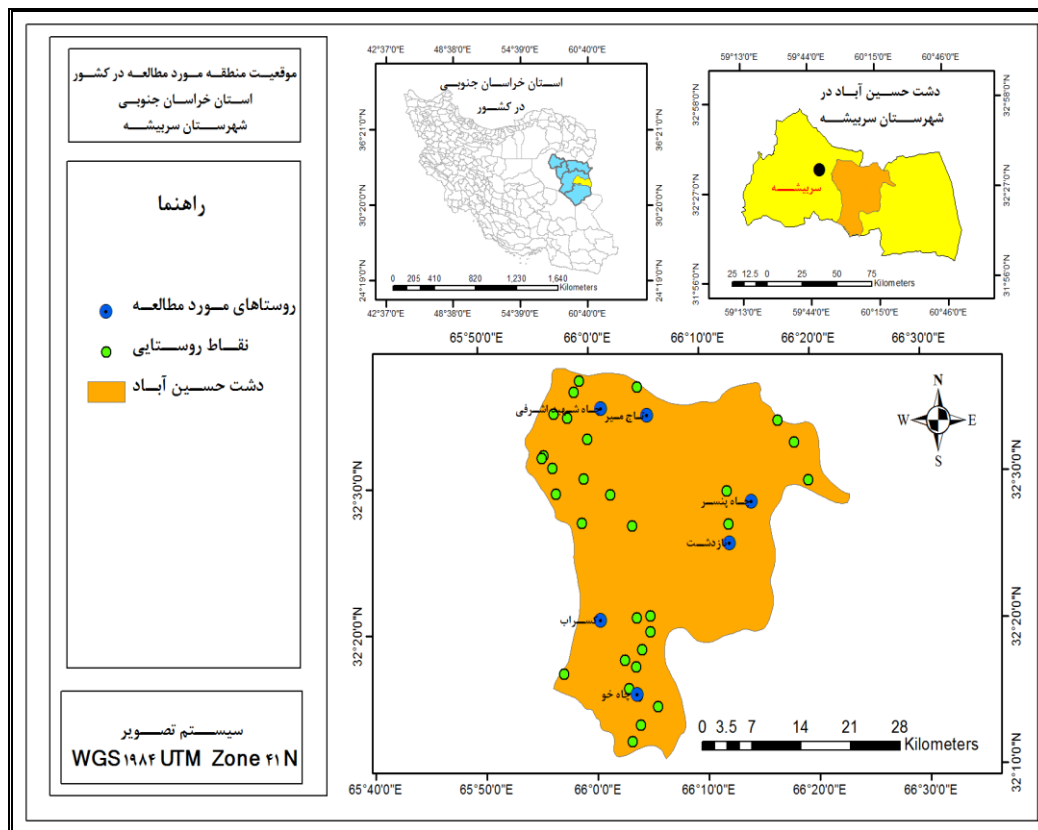
بخش‌های مختلف پرسشنامه	تعداد سوالات	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
توانمندسازی اقتصادی	۱۰	۰/۷۷
توانمندسازی اجتماعی	۲۳	۰/۷۵
توانمندسازی فرهنگی	۱۴	۰/۷۱

منبع: مطالعات نگارندگان.

جامعه آماری تحقیق را زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۵۰ سال، که از خدمات ارائه شده بوسیله پروژه بهره‌مند گردیده‌اند، تشکیل می‌دهد. با توجه به محدودیت‌های موجود نمی‌توان تمام افراد جامعه را مورد مطالعه قرار داد. بنابراین تعداد ۶ روستا که خصوصیات جامعه آماری را داشته‌اند، انتخاب شده است. نحوه‌ی تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران می‌باشد. با توجه به جامعه مورد بررسی در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده شده است. بدین ترتیب حجم نمونه حاصل برابر ۲۶۲ نفر می‌باشد. در نهایت یافته‌های پرسشنامه‌های تحقیق از طریق آزمون‌های t تک نمونه‌ای، توکی و تحلیل واریانس مورد آزمون قرار گرفتند.

معرفی منطقه مورد مطالعه:

شهرستان سربیشه از توابع استان خراسان جنوبی در ۱۲°۵۹ تا ۱۴°۶۰ طول شرقی و ۳۲°۰۳ تا ۳۲°۵۴ عرض شمالی واقع شده است. مرکز این شهرستان در ارتفاع ۱۸۲۰ متری از سطح دریا قرار دارد. شهر سربیشه در ۶۶ کیلومتری بیرجند (مرکز استان خراسان جنوبی)، ۵۳۳ کیلومتری مشهد (مرکز استان خراسان رضوی) و ۳۹۵ کیلومتری زاهدان (مرکز استان سیستان و بلوچستان) واقع شده است (هاشمی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵). (شکل شماره ۱). پروژه ترسیب کربن از اواسط سال ۲۰۰۳ به مدت ۶ سال در دشت حسین‌آباد غیناب (در ۱۰۰ کیلومتری شرق سربیشه) واقع در استان خراسان جنوبی فعالیت داشته است. منطقه مورد مطالعه، حوضه آبریز دشت حسین‌آباد غیناب با مساحت بیش از ۲۱۶۰۰۰ هکتار و با ۴۰ روستا در محدوده سیاسی شهرستان سربیشه واقع گردیده است. تعداد خانوارهای آبادی‌های طرح از ۲۷۳ خانوار در سال ۱۳۸۵ به ۴۶۶ خانوار در سال ۱۳۸۶ نهایتاً به ۴۶۹ خانوار در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است (قیصاری، ۱۳۸۹: ۸۶).



شکل ۱- نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه در کشور، استان خراسان جنوبی و شهرستان سربیشه

یافته‌های تحقیق:

سن و وضعیت تأهل افراد مورد مطالعه:

توزیع فراوانی افراد در گروه‌های سنی مختلف در جدول شماره ۲ بیان شده است. مشاهده می‌شود که سن ۸۶/۱ درصد افراد بین ۱۵ تا ۴۴ سال می‌باشد که از این تعداد سن ۳۸/۲ درصد افراد در بین ۲۵ تا ۳۴ سال بوده است. همچنین بر اساس جدول شماره توزیع فراوانی وضعیت تأهل افراد بیان شده است. مشاهده می‌شود در بین افراد نمونه بررسی شده ۷۶/۹ درصد افراد متأهل و ۲۱/۹ درصد آنان مجرد بوده‌اند.

جدول ۳- توزیع افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت تأهل آنان

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	درصد معتبر
مجرد	۵۷	۲۱/۸	۲۱/۹
متاهل	۲۰۰	۷۶/۳	۷۶/۹
سایر	۳	۱/۱	۱/۲
جمع	۲۶۰	۹۹/۲	۱۰۰
بدون پاسخ	۲	۰/۸	-
جمع کل	۲۶۲	۱۰۰	-

(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱).

جدول ۲- توزیع سن افراد مورد بررسی

گروه های سنی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
۱۵ تا ۲۴	۶۳	۲۴	۲۴/۳	۲۴/۳
۲۵ تا ۳۴	۹۹	۳۷/۸	۳۸/۲	۶۲/۵
۳۵ تا ۴۴	۶۱	۲۳/۳	۲۳/۶	۸۶/۱
۴۵ تا ۵۴	۳۰	۱۱/۵	۱۱/۶	۹۷/۷
۵۵ تا ۶۴	۶	۲/۳	۲/۳	۱۰۰
جمع	۲۵۹	۹۶/۹	۱۰۰	-
بدون پاسخ	۳	۱/۱	-	-
جمع کل	۲۶۲	۱۰۰	-	-

میزان تحصیلات:

میزان تحصیلات افراد جامعه نمونه بدین ترتیب است: ۸۹/۳ درصد افراد نمونه دارای تحصیلات در حد راهنمایی یا کمتر هستند. از این تعداد ۵۰/۲ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و حدود ۲۱ درصد بیسواد بوده‌اند. تنها ۲ نفر از افراد نمونه معادل ۰/۸ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- توزیع افراد مورد بررسی بر اساس میزان تحصیلات آنان

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد	درصد
بیسواد	۵۶	۲۱/۴	۲۱/۵	۲۱/۵
ابتدایی	۱۳۱	۵۰	۵۰/۲	۷۱/۶
راهنمایی	۴۶	۱۷/۶	۱۷/۶	۸۹/۳
دبیرستان	۲۶	۹/۹	۱۰	۹۹/۲
تحصیلات	۲	۳/۸	۰/۸	۱۰۰
جمع	۲۶۱	۹۹/۶	۱۰۰	-
بدون پاسخ	۱	۰/۴	-	-
جمع کل	۲۶۲	۱۰۰	-	-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

وضعیت عضویت در گروه‌های توسعه:

بر اساس اطلاعات بیان شده در جدول شماره ۵ توزیع فراوانی افراد نمونه بر اساس وضعیت عضویت آنان در گروه‌های توسعه بدین صورت است: ۲۰۵ نفر از زنان معادل ۷۸/۲ درصد افراد نمونه در گروه‌های توسعه زنان عضویت دارند، ۲۱ نفر از زنان معادل ۸ درصد آنها جزء گروه‌های مختلط هستند و ۱۳ درصد نیز عضو گروه‌های توسعه نمی‌باشند.

جدول ۵- توزیع افراد مورد بررسی بر اساس وضعیت عضویت آنها در گروه‌های توسعه

وضعیت در گروه توسعه	فراوانی	درصد	درصد
گروه زنان	۲۰۵	۷۸/۲	۷۸/۸
گروه مختلط	۲۱	۸	۸/۱
هیچکدام	۳۴	۱۳	۱۳/۱
جمع	۲۶۰	۹۹/۲	۱۰۰
بدون پاسخ	۲	۰/۸	-
جمع کل	۲۶۲	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

زمینه‌های فعالیت زنان و متغیر درآمد:

در جدول شماره ۶ توزیع فراوانی افراد مورد بررسی به تفکیک زمینه فعالیت‌شان قبل و بعد از اجرای پروژه بیان شده است. همچنین بر اساس داده‌های جدول شماره ۷، ۴۵ درصد از افراد نمونه معتقد هستند که سطح رفاه خانواده‌های روستا در طی ۵ سال گذشته بهتر شده است. ۲۸ درصد آنها بیان نموده‌اند که سطح درآمد مردم روستا افزایش یافته و ۳۰/۵ درصد آنها معتقدند طی ۵ سال گذشته فرصت‌های شغلی برای خانم‌ها بیشتر شده است. اگر به این اعداد درصد افرادی که تا حدودی با این نظرات موافق بوده‌اند را نیز اضافه کنیم درصدها به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد و به ترتیب به ۷۸، ۸۸ و ۶۲ درصد می‌رسد. در مجموع طی ۵ سال گذشته سطح رفاه و درآمد خانواده‌های روستاهای نمونه تحقیق به شکل قابل توجهی افزایش یافته است.

جدول ۶- توزیع افراد مورد بررسی به تفکیک زمینه فعالیت آنها

زمینه های فعالیت	۵ سال گذشته		در حال حاضر		تفاوت	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خانه داری	۲۵۶	۹۷.۷	۲۵۲	۹۶.۲	-۴	-۱.۵
زراعت	۶۴	۲۴.۴	۷۲	۲۷.۵	۸	۳.۱
باغداری	۹	۳.۴	۱۱	۴.۲	۲	۰.۸
دامداری	۱۸۵	۷۰.۶	۱۵۰	۵۷.۳	-۳۵	-۱۳.۴
کارمندی	۱	۰.۴	۵	۱.۹	۴	۱.۵
صنایع	۱۵۲	۵۸.۰	۱۶۶	۶۳.۴	۱۴	۵.۳
کارگر بخش	۴۶	۱۷.۶	۱۰۷	۴۰.۸	۶۱	۲۳.۳
کارگر بخش	۲	۰.۸	۲	۰.۸	۰	۰.۰
سایر موارد	۲	۰.۸	۴	۱.۵	۲	۰.۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

جدول ۷- نظر زنان در مورد افزایش درآمدها نسبت به ۵ سال گذشته

انحراف معیار	میانگین	موافقم	تاحدودی موافقم	خیلی کم	موافق نیستم	موارد	
						تعداد	درصد
۰/۷۲	۳/۳۲	۱۱۷	۱۱۳	۲۷	۵	تعداد	سطح رفاه خانواده‌های روستا به طور متوسط بهتر شده است.
		۴۴/۷	۴۳/۱	۱۰/۳	۱/۹	درصد	
۰/۷۲	۳/۰۶	۷۳	۱۴۴	۳۷	۸	تعداد	سطح درآمد خانواده‌های روستا به طور متوسط بیشتر یافته است.
		۲۷/۹	۵۵	۱۴/۱	۳/۱	درصد	
۰/۹۸	۲/۸۱	۸۰	۸۲	۷۴	۲۶	تعداد	فرصتهای شغلی برای زنان در روستا بیشتر شده است.
		۳۰/۵	۳۱/۳	۲۸/۲	۹/۹	درصد	
۰/۸۸	۲/۵۶	۳۷	۱۰۰	۹۶	۲۹	تعداد	سطح درآمد من افزایش یافته است.
		۱۴/۱	۳۸/۲	۳۶/۶	۱۱/۱	درصد	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

میزان آگاهی و افزایش سطح سواد:

یکی از شاخص‌های مهم و مؤثر در توانمند شدن افراد افزایش میزان دانش آنهاست. با توجه به یافته‌های تحقیق در این بخش می‌توان گفت: در مجموع سطح آگاهی و اطلاعات زنان روستاهای مورد مطالعه طی ۵ سال گذشته در امور مختلف اداری، مالی و اقتصادی و مهارت‌های شغلی آنها تا حدودی افزایش یافته است (جدول شماره ۸). بر این اساس، نظر زنان جامعه نمونه در مورد افزایش سطح سوادشان نسبت به ۵ سال گذشته مورد بررسی قرار گرفته و در جدول شماره ۹ ذکر شده است.

جدول ۸- نظر زنان در مورد افزایش آگاهی‌شان نسبت به ۵ سال گذشته

انحراف معیار	میانگین	موافقم	تاحدودی موافقم	خیلی کم	موافق نیستم	موارد	
						تعداد	درصد
۰/۸۸	۲/۸۱	۵۷	۱۱۹	۶۲	۲۴	تعداد	میزان آشنایی زنان روستا با امور اداری بیشتر شده است
		۲۱/۸	۴۵/۴	۲۳/۷	۹/۲	درصد	
۰/۸۹	۲/۸۵	۶۶	۱۱۰	۶۵	۲۱	تعداد	میزان آشنایی زنان روستا با امور مالی و بازار خرید و فروش بیشتر شده است
		۲۵/۲	۴۲	۲۴/۸	۸	درصد	
۰/۸۹	۲/۸۹	۷۳	۱۱۴	۵۴	۲۱	تعداد	برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی موجب افزایش سطح مهارت‌ها و دانش زنان گردیده است
		۲۷/۹	۴۳/۵	۲۰/۶	۸	درصد	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

جدول ۹- نظر زنان در مورد افزایش سطح سوادشان نسبت به ۵ سال گذشته

انحراف معیار	میانگین	موافقم	تاحدودی موافقم	خیلی کم	موافق نیستم	موارد	
						تعداد	درصد
۰/۷۹	۳/۱۶	۹۸	۱۲۰	۳۴	۱۰	تعداد	امکان ادامه تحصیل دختران روستا افزایش یافته است.
		۳۷/۴	۴۵/۸	۱۳	۳/۸	درصد	
۰/۷۱	۳/۰۵	۶۸	۱۴۲	۴۸	۴	تعداد	میزان تمایل دختران روستا به ادامه تحصیل درمقاطع بالاتر بیشتر شده است.
		۲۶	۵۴/۲	۱۸/۳	۱/۵	درصد	
۰/۹۲	۲/۷۴	۶۸	۷۸	۹۸	۱۸	تعداد	میزان تمایل زنان بیسواد به شرکت در کلاسهای نهضت سوادآموزی بیشتر شده است
		۲۶	۲۹/۸	۳۷/۴	۶/۹	درصد	
۰/۹۸	۲/۶۸	۷۰	۷۰	۸۹	۳۳	تعداد	قادر به سخنرانی در جمع در خصوص حل مشکلات گروهی و خانوادگی می باشم
		۲۶/۷	۲۶/۷	۳۴	۱۲/۶	درصد	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

استقلال مالی:

مهم‌ترین مزیت استقلال مالی هر فرد بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش رفاه می‌باشد، که در دیگر ابعاد توانمندسازی نقش به‌سزایی دارد. نظر زنان در مورد استقلال مالی‌شان نسبت به ۵ سال گذشته در جدول شماره ۱۰ بیان شده است.

جدول ۱۰- نظر زنان روستایی در مورد استقلال مالی‌شان نسبت به ۵ سال گذشته

انحراف معیار	میانگین	موافقم	تاحدودی موافقم	خیلی کم	موافق نیستم	موارد	
						تعداد	درصد
۰/۸۶	۲/۱۹	۱۷	۷۳	۱۱۲	۵۹	تعداد	من مشکلی در زمینه پرداخت اقساط وام خود ندارم
		۶/۵	۲۸	۴۲/۹	۲۲/۶	درصد	
۰/۹۷	۲/۲۷	۳۵	۶۵	۱۰۰	۶۱	تعداد	من هر ماه می‌توانم مبلغی را پس‌انداز کنم.
		۱۳/۷	۲۴/۸	۳۸/۲	۲۳/۳	درصد	
۰/۹۳	۲/۱۱	۲۲	۶۴	۹۶	۸۰	تعداد	می‌توانم بسیاری از نیازهای مالی خود را برطرف کنم
		۸/۴	۳۴/۴	۳۶/۶	۳۰/۵	درصد	
۰/۹۹	۱/۷۹	۱۴۴	۵۵	۴۴	۱۹	تعداد	از نظر مالی به همسر (خانواده ام) وابسته هستم.
		۵۵	۲۱	۱۶/۸	۷/۳	درصد	
۰/۹۴	۲/۳۹	۴۳	۶۹	۱۰۷	۴۳	تعداد	از محل پس‌اندازم در صندوق بسیاری از مشکلات مالی خود را حل می‌کنم
		۱۶/۴	۲۶/۳	۴۰/۸	۱۶/۴	درصد	
۱/۰۰	۲/۱۵	۳۱	۶۶	۸۳	۸۲	تعداد	من شاغل هستم و از محل درآمد هزینه‌های خود را تأمین می‌کنم
		۱۱/۸	۲۵/۲	۳۱/۷	۳۱/۳	درصد	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

شرکت در فعالیت‌های اجتماعی افراد نمونه:

مشارکت اجتماعی زنان، به افزایش قابلیت‌ها و توانمندی‌هایشان از طریق فراهم آوردن و در اختیار قراردادن کلیه امکانات لازم جهت باروری و به فعل در آمدن استعداد‌هایشان، منجر می‌شود. نظر زنان نمونه جامعه آماری در مورد شرکت در فعالیت‌های جمعی نسبت به ۵ سال گذشته در جدول شماره ۱۱، مشخص می‌باشد. در مجموع طی ۵ سال گذشته شرکت در فعالیت‌های اجتماعی افراد نمونه افزایش یافته است.

جدول ۱۱- میزان مشارکت افراد نمونه در فعالیتهای جمعی و اجتماعی نسبت به ۵ سال گذشته

انحراف معیار	میانگین	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	موارد	
						تعداد	درصد
۰/۷۰	۳/۵۱	۱۶۵	۶۹	۲۶	۲	تعداد	به شرکت در فعالیتهای جمعی و گروهی علاقمندم.
		۶۳	۲۶/۳	۹/۹	۰/۸	درصد	
۰/۶۶	۲/۳۳	۱۲۰	۱۱۳	۲۹	۰	تعداد	معتقدم معمولاً فعالیتهای جمعی بهتر و زودتر به نتیجه می‌رسد.
		۴۵/۸	۴۳/۱	۱۱/۱	۰	درصد	
۰/۷۵	۳/۴۳	۱۴۸	۸۰	۳۰	۴	تعداد	از نظر من عضویت در گروههای توسعه محلی باعث افتخار است.
		۵۶/۵	۳۰/۵	۱۱/۵	۱/۵	درصد	
۰/۵۹	۳/۶۸	۱۹۲	۵۲	۱۷	۱	تعداد	خیلی مایل هستم در مجالس مذهبی شرکت کنم.
		۷۳/۳	۱۹/۸	۶/۵	۰/۴	درصد	
۰/۶۶	۳/۴۰	۱۳۳	۱۰۳	۲۶	۰	تعداد	معمولاً در جلساتی سخنرانی که در سطح روستا برگزار می‌شود شرکت کنم
		۵۰/۸	۳۹/۳	۹/۹	۰	درصد	
۰/۸۴	۳/۰۴	۹۵	۹۸	۶۱	۸	تعداد	معتقدم فعالیتهای جمعی موجب کاهش هزینه ها می‌گردد
		۳۶/۳	۳۷/۴	۲۳/۳	۳/۱	درصد	
۰/۷۸	۳/۲۵	۱۱۷	۱۰۰	۴۰	۵	تعداد	معمولاً در گروههای توسعه به منظور حل مشکلات روستا شرکت می‌کنم
		۴۴/۷	۳۸/۲	۱۵/۳	۱/۹	درصد	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

استقلال فکری و میزان مشارکت افراد نمونه در تصمیم‌گیری‌ها:

نظر زنان در مورد استقلال فکری و مشارکت در تصمیم‌گیری نسبت به ۵ سال گذشته در جدول شماره ۱۲ بیان شده است. مشاهده می‌شود که نظر زنان در مورد مشارکت‌شان در تصمیم‌گیری‌ها مطلوبتر شده است.

جدول ۱۲- میزان استقلال فکری و مشارکت افراد نمونه در تصمیم‌گیریها

انحراف معیار	میانگین	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	موارد	
						تعداد	درصد
۰/۶۶	۳/۴۷	۱۴۱	۹۷	۱۸	۳	تعداد	تصمیم‌گیری در مورد هزینه های منزل
		۵۴/۴	۳۷/۵	۶/۹	۱/۲	درصد	
۰/۹۱	۲/۶۸	۵۴	۹۹	۷۹	۲۷	تعداد	تصمیم‌گیری برای خرید یا تعویض اتومبیل یا خانه
		۲۰/۸	۳۸/۲	۳۰/۵	۱۰/۴	درصد	
۰/۸۱	۳/۳۷	۱۴۶	۶۸	۳۷	۷	تعداد	تصمیم‌گیری در مورد تحصیل، ازدواج و آموزش فرزندان
		۵۶/۶	۲۶/۴	۱۴/۳	۲/۷	درصد	
۰/۷۲	۳/۳۵	۱۲۹	۹۶	۳۰	۳	تعداد	تصمیم‌گیری در مورد تنظیم خانواده (کنترل تعداد فرزندان)
		۵۰	۳۷/۲	۱۱/۶	۱/۲	درصد	
۰/۸۱	۳/۲۰	۱۱۵	۹۲	۴۸	۴	تعداد	تصمیم‌گیری در مورد روشهای جدید افزایش سطح درآمد خانواده
		۴۴/۵	۳۵/۵	۱۸/۵	۱/۵	درصد	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

نگرش‌ها و باورهای افراد نمونه:

نظر زنان در مورد تغییر نگرش‌ها و باورهایشان نسبت به ۵ سال گذشته در جدول شماره ۱۳ بیان شده است. با توجه به این جدول مشاهده می‌شود که ۴۱/۸ درصد زنان موافقند که می‌توانند مانند مردان دارای فرصتهای کسب درآمد باشند، ۴۰/۱ درصد زنان تاحدودی موافقند که نقش زنان تنها محدود به خانه‌داری نیست و بیرون از منزل هم می‌توانند کارکنند، ۳۵/۵ درصد زنان تاحدودی موافقند که نقش اصلی زنان همسری و مادری است و ناتوان در انجام کارهای مردانه و بیرون از خانه هستند.

جدول ۱۳ - نگرش و باورهای افراد نمونه در مورد نقش زنان

انحراف معیار	میانگین	موافقم	تاحدودی موافقم	خیلی کم	موافق نیستم	موارد
۰/۷۷	۳/۲۴	۱۰۹	۱۰۶	۴۲	۴	تعداد معتقدم زنان نیز می‌توانند مانند مردان دارای فرصتهای کسب درآمد باشند.
		۴۱/۸	۴۰/۶	۱۶/۱	۱/۵	درصد
۰/۸۵	۳/۰۴	۹۰	۱۰۵	۵۵	۱۲	تعداد بر این باور هستم که نقش زنان تنها محدود به خانه-داری نیست و بیرون از منزل هم میتوانند کار کنند.
		۳۴/۴	۴۰/۱	۲۱	۴/۶	درصد
۱/۰۱	۲/۵۷	۵۵	۹۳	۶۴	۵۰	تعداد معتقدم نقش اصلی زنان همسری و مادری است
		۲۱	۳۵/۵	۲۴/۴	۱۹/۱	درصد
۰/۹۰	۱/۹۴	۹۲	۱۰۷	۴۳	۲۰	تعداد معتقدم زنان برنامه‌ریزی دقیق‌تری در زندگی خود دارند.
		۳۵/۱	۴۰/۸	۱۶/۴	۷/۶	درصد
۰/۹۰	۳/۰۹	۱۰۷	۷۶	۶۷	۱۲	تعداد معتقدم زنان کارهایی که ریسک مالی بالا دارد را کمتر انجام می‌دهند.
		۴۰/۸	۲۹	۲۵/۶	۴/۶	درصد
۰/۹۲	۲/۰۵	۸۰	۹۰	۶۸	۱۶	تعداد معتقدم زنان در حل مشکلات از خرد جمعی بیشتر استفاده می‌کنند.
		۳۶/۶	۳۴/۴	۲۶	۶/۱	درصد
۰/۹۵	۲	۱۰۱	۷۲	۷۳	۱۶	تعداد معتقدم زنان نسبت به مردان آینده‌نگرترند.
		۳۸/۵	۲۷/۵	۲۷/۹	۶/۱	درصد
۰/۹۱	۲/۰۶	۸۱	۹۹	۵۹	۲۳	تعداد معتقدم زنان نسبت به مردان بهتر می‌توانند بر هزینه‌های خانواده مدیریت کنند
		۳۰/۹	۳۷/۸	۲۲/۵	۸/۸	درصد
۰/۹۳	۳/۱۲	۱۱۷	۷۲	۵۷	۱۵	تعداد معتقدم آموزش یک مرد آموزش یک نفر است در حالیکه آموزش یک زن آموزش یک خانواده است
		۴۴/۸	۲۷/۶	۲۱/۸	۵/۷	درصد

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

آزمون متغیرهای تحقیق:

به منظور آزمون و بررسی نقش پروژه ترسیب کربن در افزایش توانمندسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شده است. بر این اساس با اطمینان ۹۵ درصد و در سطح خطای ۰/۰۵ و مقدار p برابر با ۰/۰۰۰۱، مؤثر بودن پروژه ترسیب کربن در افزایش توانمندسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی مورد تأیید قرار می‌گیرد. (جدول شماره ۱۴).

جدول ۱۴ - نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به بررسی نقش پروژه در افزایش توانمندسازی فرهنگی زنان

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون	P-value
توانمندسازی فرهنگی زنان	۳/۱۲	۰/۳۸	۲۶۱	۶۸/۰۹	۰/۰۰۱
توانمندسازی اجتماعی زنان	۲/۹۱	۰/۲۹	۲۶۱	۷۸/۷۳	۰/۰۰۰
توانمندسازی اقتصادی زنان	۲/۴۶	۰/۵۲	۲۶۱	۳۰/۰۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

در ادامه نیز مشخصات جمعیت شناختی مورد بررسی قرار گرفت، که با توجه به جدول شماره ۱۵ مشاهده می‌شود که هیچ یک از مشخصات جمعیت‌شناختی بر میزان تأثیر پروژه ترسیب کربن بر توانمندسازی فرهنگی زنان تأثیرگذار نمی‌باشد.

جدول ۱۵- تحلیل واریانس مربوط به رابطه اطلاعات جمعیت‌شناختی و میزان تأثیر پروژه بر توانمندسازی فرهنگی زنان

متغیر وابسته	منبع تغییرات	درجه آزادی	آماره آزمون (F)	p-value
توانمندسازی فرهنگی زنان	سن	۴	۲/۲۰۶	۰/۰۶۹
	خطا	۲۵۴		
توانمندسازی فرهنگی زنان	وضعیت تأهل	۲	۰/۰۶۸	۰/۹۳۴
	خطا	۲۵۷		
توانمندسازی فرهنگی زنان	سطح تحصیلات	۴	۱/۲۲	۰/۳۰
	خطا	۲۵۶		
توانمندسازی فرهنگی زنان	وضعیت در گروه توسعه	۲	۱/۶۸۸	۰/۱۸۷
	خطا	۲۵۷		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

با توجه به داده‌های تحلیلی تحقیق مشاهده می‌شود که: وضعیت عضویت در گروه توسعه بر میزان تأثیر پروژه ترسیب کربن بر توانمندسازی اجتماعی زنان تأثیرگذار می‌باشد و سایر مشخصات جمعیت‌شناختی بر میزان تأثیر پروژه ترسیب کربن بر توانمندسازی اجتماعی زنان تأثیرگذار نمی‌باشند. (جدول شماره ۱۶).

جدول ۱۶- تحلیل واریانس مربوط به رابطه اطلاعات جمعیت‌شناختی و میزان تأثیر پروژه بر توانمندسازی اجتماعی زنان

متغیر وابسته	منبع تغییرات	درجه آزادی	آماره آزمون (F)	p-value
توانمندسازی اجتماعی زنان	سن	۴	۱/۹۰۱	۰/۱۱۱
	خطا	۲۵۴		
توانمندسازی اجتماعی زنان	وضعیت تأهل	۲	۲/۴۵	۰/۰۸۸
	خطا	۲۵۷		
توانمندسازی اجتماعی زنان	سطح تحصیلات	۴	۰/۳۰	۰/۸۷۸
	خطا	۲۵۶		
توانمندسازی اجتماعی زنان	وضعیت در گروه توسعه	۲	۱۸/۸۲۲	۰/۰۰۰۱
	خطا	۲۵۷		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

برای بررسی اینکه کدام نوع از گروه‌های توسعه تأثیر بیشتری بر توانمندسازی اجتماعی زنان داشته‌اند از آزمون توکی استفاده گردیده است که نتایج آن در جدول شماره ۱۷ بیان شده است با توجه به این جدول نتیجه می‌گیریم که عضویت در گروه زنان نسبت به عضویت در گروه مختلط تأثیر بیشتری بر توانمندسازی اجتماعی زنان داشته‌اند.

جدول ۱۷- نتایج آزمون توکی برای بررسی اختلاف میانگین‌ها در سطوح مختلف وضعیت گروه توسعه

p-value	اختلاف میانگین‌ها (i-j)	وضعیت عضویت در گروه توسعه	
		j	i
۰/۰۰۰۱	۰/۳۳۴	عضویت گروه مختلط	گروه زنان
۰/۰۰۱	۰/۱۷۹	عدم عضویت	
۰/۰۰۰۱	-۰/۳۳۴	عضویت گروه زنان	گروه مختلط
۰/۱	-۰/۱۵۵	عدم عضویت	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱

با توجه به داده‌های جدول شماره ۱۸ مشاهده می‌شود که وضعیت عضویت در گروه توسعه بر میزان تأثیر پروژه ترسیب کربن بر توانمندسازی اقتصادی زنان تأثیرگذار می‌باشد. اما سایر مشخصات جمعیت‌شناختی بر میزان تأثیر پروژه ترسیب کربن بر توانمندسازی اقتصادی زنان تأثیرگذار نمی‌باشند.

جدول ۱۸- تحلیل واریانس مربوط به رابطه اطلاعات جمعیت شناختی و میزان تأثیر پروژه بر توانمندسازی اجتماعی زنان

متغیر وابسته	منبع تغییرات	درجه آزادی	آماره آزمون (F)	p-value
توانمندسازی اقتصادی زنان	سن	۴	۰/۸۰۶	۰/۵۲۲
	خطا	۲۵۴		
توانمندسازی اقتصادی زنان	وضعیت تاهل	۲	۰/۴۴	۰/۶۴۵
	خطا	۲۵۷		
توانمندسازی اقتصادی زنان	سطح تحصیلات	۴	۲/۵۹	۰/۰۵۷
	خطا	۲۵۶		
توانمندسازی اقتصادی زنان	وضعیت در گروه توسعه	۲	۲۲/۳۸۴	۰/۰۰۰
	خطا	۲۵۷		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

برای بررسی اینکه کدام نوع از گروه‌های توسعه تأثیر بیشتری بر توانمندسازی اقتصادی زنان داشته‌اند؛ از آزمون توکی استفاده گردیده و نتایج آن در جدول شماره ۱۹ ارائه شده است. با توجه به این جدول نتیجه می‌گیریم که عضویت در گروه زنان نسبت به گروه‌های مختلط تأثیر بیشتری بر توانمندسازی اقتصادی زنان داشته است.

جدول ۱۹- نتایج آزمون توکی برای بررسی اختلاف میانگین‌ها در سطوح مختلف وضعیت گروه توسعه

p-value	اختلاف میانگین‌ها (i-j)	وضعیت در گروه توسعه	
		j	i
۰/۰۰۰	۰/۶۱۶	عضویت در گروه مختلط	
۰/۰۰۰	۰/۳۷۹	عدم عضویت	
۰/۰۰۰	-۰/۶۱۶	عضویت در گروه زنان	
۰/۱۷۷	-۰/۲۳۷	عدم عضویت	
۰/۱۷۷	۰/۲۳۷	گروه مختلط	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

نتیجه‌گیری:

پروژه‌ی ترسیب کربن که بطور مشترک توسط دولت جمهوری اسلامی ایران، برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و تسهیلات جهانی زیست محیطی (GEF) در منطقه‌ی حسین‌آباد غیناب شهرستان سربیشه استان خراسان جنوبی اجرا شده است. از جمله پروژه‌هایی است که یکی از اهداف آن مشارکت مردم روستا و توانمندسازی گروه‌های توسعه از جمله زنان و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت پروژه ترسیب کربن در توانمندسازی زنان نقش مؤثری داشته است. به طوری که زنان روستایی، پروژه ترسیب کربن را در افزایش توانمندسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی‌شان مؤثر دانسته‌اند. از طرفی اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد نمونه نیز بر میزان تأثیر پروژه ترسیب کربن بر توانمندسازی زنان نتایج جالبی را نشان می‌دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد هیچ‌کدام از اطلاعات جمعیت-شناختی بر میزان توانمندسازی فرهنگی جامعه آماری تأثیری نداشته است و تنها وضعیت عضویت در گروه توسعه بر میزان توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی آنها تأثیر داشته است. همانطور که نتایج طرح نشان می‌دهد زنان قبل از اجرای طرح بندرت در فعالیتهای گروهی و مشارکتی شرکت کرده و قدرت اظهارنظر در هیچ زمینه‌ای نداشته‌اند. با شروع پروژه و تنظیم برنامه‌های مشارکتی برای گروه‌های هدف توسعه روستایی، همه گروه‌ها از جمله زنان بصورت فعال در امور اجتماعی و اقتصادی منطقه خود فعالیت می‌کنند و با تلاش این اعضاء بهبود بسیار زیادی در بهبود وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پدید آمده است. این طرح اثرات زیادی در زندگی فردی و اجتماعی زنان داشته است. ایجاد خودباوری و آموختن روش‌های مشارکت و همیاری برای رفع مشکلات فردی و اجتماعی، از دستاوردهای این طرح بوده است که می‌توان از آن به عنوان الگوی محیطی مشارکتی در سایر نقاط کشور استفاده کرد.

۲۰۵ نفر از زنان معادل ۷۸/۲ درصد افراد نمونه در گروه‌های توسعه زنان عضویت دارند، ۲۱ نفر از زنان معادل ۸ درصد آنها جزء گروه‌های مختلط هستند و ۱۳ درصد نیز عضو گروه‌های توسعه نمی‌باشند. در زمینه افزایش درآمد ۴۵ درصد از افراد نمونه معتقد هستند که سطح رفاه خانواده‌های روستا در طی ۵ سال گذشته بهتر شده است. ۲۸ درصد آنها بیان نموده‌اند که سطح درآمد مردم روستا افزایش یافته و ۳۰/۵ درصد آنها معتقدند طی ۵ سال گذشته فرصت‌های شغلی برای خانم‌ها بیشتر شده است. همچنین میزان سواد آنها، استقلال مالی و پس انداز شخصی زنان، نسبت به گذشته افزایش یافته است. بیش از ۴۱ درصد زنان به مؤثر بودن خودشان در فعالیت‌های مختلف معتقدند. لذا باید گفت با توجه به این شاخص‌ها و تغییرات زیادی که قشر زنان در این شاخص‌ها داشته‌اند، پروژه در افزایش توانمندی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موفق بوده است. بگونه‌ای که نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای با اطمینان ۹۵ درصد و در سطح خطای ۰/۰۵ و مقدار P برابر با ۰/۰۰۱، مؤثر بودن پروژه ترسیب کربن در افزایش توانمندسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی را تأیید کرده است. بر این اساس سطح آگاهی زنان، درآمد، افزایش و تنوع فعالیت‌های شغلی، استقلال مالی، مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها و تغییر نگرش زنان، با فعالیت پروژه، مطلوب‌تر و سیر صعودی داشته است. در مجموع نتایج حاصل از مشارکت برنامه‌ریزی شده زنان روستایی در فعالیت‌های توسعه‌ای منطقه حسین‌آباد غیناب عبارتند از:

تشکیل گروه‌های متشکل از زنان روستایی برای مواجهه با مشکلات و موانع موجود در برابر رشد و توسعه جامعه روستایی و ارائه راه‌حل‌های مناسب در زمینه‌های مختلف، ایجاد هم‌فکری و تبادل افکار و کنش متقابل اجتماعی، رفع نیازهای روزمره زنان روستایی از طریق همیاری، تربیت انسان‌هایی دارای روحیه جمعی و تعاون، سازگاری طرح‌ها و پروژه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌ها با نیازهای محلی و منطقه‌ای، رشد استعدادها و خلاقیت‌های زنان روستایی و بهره‌گیری منطقی از خلاقیت و استعداد زنان روستایی، صرفه‌جویی اقتصادی و کاهش هزینه‌ها و افزایش میزان بازدهی در فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با زنان روستایی، استفاده از آنها در حفظ و مدیریت منابع طبیعی.

منابع:

۱. ابوت، پاملا و والاس کلر (۱۳۸۰): جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، نشر نی، چاپ اول، تهران.
۲. الوانی، مهدی و مژگان ضرغامی فرد (۱۳۸۰): «نقش زنان در توسعه»، مجله تدبیر، شماره ۱۱۳، تهران، صص ۶۶-۶۳.
۳. بوذرجمهری، خدیجه (۱۳۸۳): «شناخت و تحلیل دانش کشاورزی بومی زنان روستایی شهرستان نیشابور و تأثیر آن بر کشاورزی پایدار»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۴. بوذرجمهری، خدیجه و فریده نایب زاده (۱۳۸۸): «ارزش‌یابی طرح تسهیل‌گران زن روستایی در ایجاد ارتباط دو سویه و افزایش مشارکت زنان روستایی در عرصه‌های مختلف توسعه روستایی»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳ (پیاپی ۲۶)، تهران، صص ۸۹-۶۹.
۵. تورس، اماری لیس (۱۳۷۵): جنسیت و توسعه، ترجمه: جواد یوسفیان، انتشارات بانو، تهران.
۶. تولایی، سیمین (۱۳۷۹): بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان، مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه مشارکت زنان، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۷. حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۸): «زنان و توسعه پایدار: نگاهی مقایسه‌ای به جهان اسلام»، پژوهشنامه زنان و توسعه، تهران، صص ۵۵-۱۱.
۸. حسن نژاد، مریم (۱۳۸۷): ارزیابی عملکرد فعالیتهای مختلف صورت گرفته در راستای پروژه ترسیب کربن به تفکیک جنسیت و نوع گروه توسعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. رضایی گیوشاد، طویی (۱۳۸۷): بررسی نقش اعتبارات خرد بر توانمندسازی (مطالعه موردی: صندوق‌های اعتباری خرد پروژه ترسیب کربن، حسین‌آباد غیناب در خراسان جنوبی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۰. خواجه‌نوری، بیژن و عبدالعلی لهسایی‌زاده و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۴): «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی: مطالعه موردی استان فارس»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳، تهران، صص ۱۴۵-۱۲۴.

۱۱. سفیری، خدیجه (۱۳۷۷): جامعه‌شناسی اشتغال زنان، ناشر موسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول، تهران.
۱۲. شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱): توسعه و چالش‌های زنان در ایران، نشر قطره، تهران.
۱۳. شرکت مهندسی مشاور وزنا (۱۳۸۷): طرح ارزیابی و توسعه راهبردی ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی روستاهای مناطق مرزی؛ مرحله سوم: مفاهیم و نظریات پایه، وزارت جهاد کشاورزی، دفتر برنامه ریزی توسعه روستایی، تهران.
۱۴. شکوری، علی (۱۳۸۷): «سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۱، تهران، صص ۱۵۹-۱۲۹.
۱۵. صرافی، مظفر (۱۳۷۷): مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، چاپ اول، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۱۶. طباطبایی یحیی‌آبادی، شهناز و سیمین حسینیان (۱۳۸۴): «توانمندسازی زنان سرپرست خانواده از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۴، تهران، صص ۳۶۸-۳۶۰.
۱۷. فرخی راستابی، زهرا بهجت یزد خواستی و محمود کتابی (۱۳۸۴): «پیش‌شرط‌ها و موانع توانمندسازی زنان: مطالعه موردی زنان شهر اصفهان»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد نوزدهم شماره ۲، اصفهان، صص ۲۰-۱.
۱۸. قیصاری، صدیقه (۱۳۸۹): مدیریت اجتماعی نواحی روستایی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور بیرجند.
۱۹. کتابی، محمود، بهجت یزدخوانی و زهرا فرخی راستابی (۱۳۸۲): «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه»، فصلنامه مرکز مطالعات و پژوهش زنان، پژوهش زنان، شماره ۷، تهران، صص ۲۳-۲.
۲۰. نوری، مرضیه (۱۳۸۰): «ارزیابی عملکرد مجتمع‌های خدمات بهزیستی روستایی در رفاه اجتماعی روستاییان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۱. هادربادی، غلامرضا (۱۳۸۷): بررسی مدلی از توسعه روستایی (پروژه ترسیب کربن)؛ گروه علمی کشاورزی، منابع آب و منابع طبیعی، کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران.
۲۲. هاشمی‌زاده، سید عبدالحسین (۱۴۸۴): سربیشه گوهر ناشناخته کویر، نشر نی نگار، مشهد.
23. Ahlerup, P. (2008): Social capital vs institutions in the growth process, *European Journal of Political Economy*, Doi: 10.1016/j.ejpoleco.09.008.
24. Maung, I. M. (1995): "Female Labor participation in Myanmar." *Sign*, Vol. 28, No. 3, pp. 455-490.
25. Reed, M.S., Fraser, E.D.G., and Dougill, A.J., (2006): An Adaptive Learning Process for Developing and Applying Sustainability Indicators With Local Communities, *Ecological Economics*, Vol. 59, Issue 4, pp 406-418.
26. Rose, G. (1993): *Feminism & Geography*. Policy Cambridge press, London.
27. Vandana, Sh. (1989): *staving alive: women ecology and development*, Zed Books Ltd press, London.
28. UND, P. (2007): *Human Development Report 2007*. oxford university press, New York.
29. Shaikh, S. (2003): *Transforming Feminism: Islam women, and Gender Justice*. Inomid safi (ed). Progressive Muslims.press Oxford:one world.